

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هجدهم، شماره هفتادویکم

پاییز ۱۳۹۶

بازشناخت نقش های سیاسی - اجتماعی بانو حُدَیث، همسر امام هادی علیه السلام

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۳

تاریخ تأیید: ۹۶/۷/۷

ناهد طیبی^۱

نقش همسران اهل بیت علیهم السلام به دلیل جایگاه اجتماعی و پیوستگی آنان با امامان علیهم السلام، یکی از نقش های کلیدی در تاریخ اهل بیت علیهم السلام است. نقش سیاسی اجتماعی بانو حُدَیث، همسر امام هادی علیه السلام، به سبب شرایط ویژه عصر امامت امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام و امام زمان علیه السلام (عج)، از جمله موضوعات مهمی است که بازشناخت آن، افزون بر گشودن صفحه هایی نو در تاریخ اسلام، موجب شناساندن بانوان ناشناخته، ولی تأثیرگذار خواهد بود.

تحقیق حاضر، با رویکرد تاریخی در صدد تبیین نقش های سیاسی و اجتماعی همسر امام هادی علیه السلام با توجه به شرایط تاریخی زمانه حیات اوست که با استفاده از منابع تاریخ عمومی و تاریخ اهل بیت علیهم السلام و بخش های مغفول مانده در منابع، سامان یافته است.

بر اساس یافته های این تحقیق، تحمل دشواری های ناشی از فشارهای روانی و سیاسی دستگاه خلافت عباسی و نیز مدیریت بحران درون خانوادگی برآمده از نزاحم و تنوع آرای فرزندان امام هادی علیه السلام، از جمله نقش های بانو

۱. مدرس و پژوهشگر جامعه الزهراء علیها السلام و دانشجوی دکترای تاریخ اهل بیت علیهم السلام، رایانامه:

Tayyebi110@yahoo.com

حُدَیث در عصر امام هادی (ع) بود. در عصر امام عسکری (ع) نیز با توجه به جدی‌تر شدن مسئله امامت دوازده امام، افزایش فعالیت‌های ضد شیعی خلفای عباسی و کارگزاران آنها، ایجاد محدودیت برای اصحاب و سفیران امام و نیز تنگ‌شدن دایره ارتباطات امام و شیعیان، نقش بانوان در این دوره برجسته می‌شود. بارزترین نقش‌های سیاسی و اجتماعی بانو حُدَیث در این دوره را می‌توان همکاری برای رفع تحیر از جامعه شیعی و برنامه‌ریزی برای حفظ باورهای مکتب اهل بیت (ع) و حفظ جان امام زمان (ع) به شمار آورد.

کلیدواژگان: امام هادی (ع)، امام عسکری (ع)، بانو حُدَیث، زنان اهل بیت (ع)، تاریخ تشیع، نقش‌های زنان، عصر دوم عباسی.

مقدمه

نقش‌های زنان در تاریخ، از جمله موضوعاتی است که نیازمند بازپژوهی و بازسازی تاریخی است. به علل گوناگون، این نقش‌ها کمتر مورد بررسی قرار گرفته و در مواردی که اشاراتی دیده می‌شود، در حاشیه و جهت تکمیل زندگی‌نامه قهرمانان تاریخ صورت می‌گیرد. مادران و همسران ائمه (ع)، از جمله بانوانی به شمار می‌روند که نقش‌های اساسی و تأثیرگذار در زمانه خویش داشته‌اند؛ اما کمتر به عنوان موضوع مستقل پژوهشی و تاریخی به آنها پرداخته شده و حتی در مواردی هرگز مورد توجه نبوده‌اند. بخشی از ویژگی‌ها و نقش‌ها، در ضمن تاریخ زندگانی همسر و فرزند این بانوان به‌اختصار بیان شده؛ ولی بخش مهم‌تر آن، روش دیگری را می‌طلبد. به نظر می‌رسد که ترسیم جزئیات و نوع نقش‌های آنان، از طریق جایگزینی ذهنی محقق میسر خواهد بود؛ به این معنا که محقق، خویشان را به جای همسر یا مادر مورد نظر قرار دهد و با قرارگرفتن در موقعیت و شرایط زمانه که در منابع تاریخی مربوط به امام (ع) با تمام جزئیات ذکر شده است، به بازسازی نقش‌های این بانوان بپردازد. البته باید توجه داشت که یک فرد امروزی به لحاظ

ویژگی‌های تربیتی، اخلاقی، نژادی و تمدنی متفاوت زمان خویش، نمی‌تواند موفق به بازسازی کامل بخشی از تاریخ چهارده قرن پیش شود؛ اما توان ارائه دورنمایی از آن را خواهد داشت.

پیشینه مستقل و قابل توجه پژوهشی در مورد بانو حُدیث دیده نشد و نگارنده این نوشتار، در مقاله‌ای مختصر با عنوان «بانوی سامرا» که در سال ۱۳۸۶ همراه با دو مقاله دیگر توسط مؤسسه پژوهشی انتظار نور در کتاب *زنان و حضرت مهدی (عج)* به چاپ رسید و در فصل پایانی کتاب *پژوهشی در باره مادر امام زمان (عج)* چاپ شده در سال ۱۳۹۲ و نیز بخشی از کتاب *شرح حال و نقش زنان عصر ولادت حضرت مهدی (عج)*، به این بانو به اختصار پرداخته است. البته نوع نگرش به ایشان در این آثار متفاوت بوده و بیشتر بر نقش او درباره امام دوازدهم تمرکز داشته و نگاه مستقلی به این بانو نشده و نیز زندگی و نقش وی در دوران حیات امام هادی (عج) مورد توجه نبوده است. افزون بر این، در دو مقاله «همسر و فرزندان امام هادی (عج)» نگاشته علی احمدی و مقاله «مادر امام» نگاشته محمدابراهیم احمدی چاپ شده در فرهنگ کوثر (۱۳۸۶، ش ۶۰ و ۷۰) به معرفی این بانو پرداخته شده که بسیار مختصر بوده و به نقش‌های ایشان پرداخته نشده است.

امتیاز مقاله حاضر این است که به طور مستقل با توجه به گزارش‌ها و زمینه‌های تاریخی موجود در بخش‌های مغفول مانده در منابع تاریخ اهل بیت (ع)، به بررسی مجموعه نقش‌های بانو در مدت عمر وی پرداخته و تلاشی برای تحلیل گزارش‌های موجود دارد.

الف. مفاهیم سازنده

۱. نقش

برای نقش، دو معنای متضاد ذکر شده است؛ اولی از ماده نقش، به معنای خارج کردن و دورنمودن شیء از شیء دیگر است؛ به طوری که چیزی از آن باقی نماند. «نقش الشعر» به

معنای کردن موسست.^۱ معنای دوم، به کار و عمل نقاش و ردّ پا یا اثری که روی زمین حاصل می‌شود، نقش گفته می‌شود.^۲ شاید بتوان این دو معنا را در هم آمیخت و گفت با نقش‌آفرینی فردی، اثر و موقعیت پیشین از بین رفته (معنای اول) و اثر و حالت جدید بر جای می‌ماند (معنای دوم)؛ به عنوان مثال، با نقش روشنگری یک عالم، جهل به موضوع از بین می‌رود و آگاهی و علم، نقشی است که در سایه این روشنگری بر جای می‌ماند. در جامعه‌شناسی به رفتارهایی که از فرد به مناسبت احراز یک جایگاه معین انتظار می‌رود، نقش گفته می‌شود.^۳ بر اساس این تعریف، از آنجا که همسر یا مادر امام بودن، جایگاهی است که موجب انتظار رفتارهایی متفاوت از دیگر بانوان را در ذهن ایجاد می‌کند، پرداختن به زندگی و نقش‌های آنان اهمیت دارد.

۲. نقش سیاسی - اجتماعی

سیاست به معنای خاص، یعنی هر امری که مربوط به دولت، مدیریت، تعیین شکل، مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد.^۴ البته معنای عام آن، همان مدیریت و تعیین شکل و چگونگی فعالیت است. از مجموع تعریف نقش و سیاست می‌توان گفت که نقش‌های سیاسی و اجتماعی، ناظر به گونه‌ای از فعالیت‌هاست که مدیریت و چگونگی فعالیت در اجتماع را شکل می‌دهد و تأثیر اجتماعی دارد و با فعالیت و حضور سیاسی همراه می‌گردد. از آنجا که نقش‌های بانو خدیث، به نوعی در برابر فعالیت‌های ضدّ شیعی و ضدّ علوی دستگاه حکومت عباسی قرار می‌گرفت، در مقاله حاضر، از اصطلاح مذکور استفاده شده است.

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۷۰.

۲. خلیل‌بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۴۱؛ محمدبن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۸، ص ۲۵۶.

۳. بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۳۷۸؛ ویلیام آوتویت و تام باتامور، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ذیل واژه «نقش».

۴. داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.

۳. زن در عصر دوم عباسی

در عصر اوّل عباسی (۱۳۲-۲۳۲ق) به سبب اقتدار سیاسی و نظامی دستگاه حاکم و وجود خلفای قدرتمند در عرصه سیاسی، زنان دخالت چندانی در امور سیاسی نداشتند؛ اما در عصر دوم عباسی (۲۳۲-۳۳۴ق) با روی کار آمدن خلفای بی‌اراده، و نیز سلطه و نفوذ ترکان بر دستگاه خلافت عباسی و عوامل دیگر، پدیده‌ای قدرتمند در پایگاه خلافت اسلامی به نام «قهرمانه» به وجود آمد؛ زنانی که در پی کسب قدرت و جمع‌آوری ثروت تلاش می‌کردند و در جایگاه وکیل، خزانه‌دار، مدیر، سرپرست و پیشکار قرار می‌گرفتند.^۱ برخی از عزل و نصب‌ها در دربار خلفای عباسی، از طریق این زنان صورت می‌گرفت.^۲ دوران خلافت متوکل، ابتدای نفوذ زنان در دولت عباسی بود و زمام امور و مسند حکومت را در واقع همسرش، حبشیه رومی در دست داشت. از جمله کارهای این زن، واگذاری ولایتعهدی به پسرش، المعتز بالله، در سال ۲۵۲ هجری بود.^۳ وی قهرمانه‌ای به نام امّ موسی هاشمیه را در برابر وزرای دربار قرار داد و بر آنان مسلط ساخت.^۴ در چنین فضایی، نمی‌توان حضور فعال زنان علوی به عنوان طیف مقابل عباسیان را نادیده گرفت؛ زیرا شرایط همواره در دو طیف مقابل تأثیرگذار است.

۱. ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۳، ص ۳۲۱ و ۳۲۲؛ عمر رضا کحاله، أعلام النساء فی عالمی العرب، ج ۵، ص ۶۷.

۲. رک: طبری، همان، ج ۸، ص ۲۵۰؛ نیز رک: حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام السیاسی والدینی والثقافی والاجتماعی، ج ۲، ص ۴۳۰؛ همان، ج ۳، ص ۴۴۶ - ۴۵۱.

۳. رک: ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۳، ص ۲۲۴؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱۸، ص ۴۱۷.

۴. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۶۲.

ب. مروری بر زیست‌نامه بانو حُدیث

بی‌تردید، همسر امام هادی (ع) کنیزی از اهالی مغرب اسلامی بوده^۱ که پیش از سال ۲۳۰ق به بیت امام وارد شد. وی به واسطه تولد فرزندش از امام (ع)، امّ ولد به شمار می‌آید. دلایل تعدد اسامی امهات اولاد و کنیزبودن مادران هفت امام معصوم، در منابع بسیاری تحلیل شده است.^۲ بر اساس گزارش‌های موجود، تعداد اسامی بانو به بیش از ۱۲ نام می‌رسد و اختلاف فراوانی در منابع دیده می‌شود. قدیمی‌ترین، نقل از ابن‌ابی‌الثلج (م ۳۲۵ق) است که نام وی را «اسماء» دانسته و لفظ «یقال سمانه؛ به او سمانه گفته می‌شود» را نیز می‌آورد.^۳ همچنین، اصطلاح «مَوْلَدَه»^۴ را که از ویژگی‌های خاص مادر امام رضا (ع) است، برای این بانو ذکر می‌کند.^۵ با توجه به قطعی نبودن انتساب کتاب به نویسنده مذکور، نمی‌توان این نقل را پایه تحقیق قرار داد. افزون بر اینکه در هیچ منبع

۱. محمدبن جریر طبری، دلائل‌الامامة، ص ۴۲۴؛ ابن‌حاتم شامی، الدرّ النظیم، ص ۷۳۷.

۲. جهت اطلاع بیشتر، رک: محمد صدر، تاریخ الغیبة، ج ۱، ص ۲۴۰ - ۲۴۳.

۳. این اثر، پیش‌تر به ابن‌ابی‌الثلج بغدادی (م ۳۲۵م) نسبت داده می‌شد؛ لیکن محقق معاصر، سید محمدرضا حسینی جلالی، این رساله را به پنج نفر نسبت داده است: ۱. نصرین‌علی جهضمی؛ ۲. امام رضا (ع)؛ ۳. احمدبن محمد فاریابی؛ ۴. ابن‌ابی‌الثلج بغدادی؛ ۵. ابن‌خشاب. وی معتقد است با توجه به اینکه بیشتر نصوص کتاب از ائمه اخیر نقل شده است، به نظر می‌رسد این روایات، اصلی واحد داشته‌اند که افراد مختلف آن را نقل کرده‌اند و به هریک از ایشان نسبت داده شده است. جهضمی که فقط برخی از روایات را نقل کرده، از راویان اهل سنت به شمار می‌رود. سیدبن طاووس و شیخ حرّ عاملی، این رساله را به او نسبت داده‌اند. چهارمین نفری که کتاب به او منسوب است، ابن‌ابی‌ثلج است؛ ولی برخی روایات، از متأخرین وی نیز نقل شده است. همچنین است، نسبت کتاب به ابن‌خشاب یا خصیبی. به هر حال، این نقل در دوره‌های مختلف از افراد متعدد نقل شده و مؤلف واحدی ندارد. (رک: نرم‌افزار سیره معصومان، کتابنامه کتاب تاریخ اهل بیت (ع))

۴. به فرد غیرعرب (عجم) که در سرزمین عربی و یا بلاد اسلامی متولد شود، مَوْلَدَه گویند.

۵. ابن‌ابی‌الثلج، تاریخ اهل‌البیت، ص ۱۲۴: «أمّ الحسن بن علیّ العسکریّ علیه السلام: سمانه، مَوْلَدَه و یقال: أسماء.»

متقدم و متأخر دیگری، نام اسماء و مولده بودن بانو ذکر نشده است و سمانه هم فقط در اثبات الوصیه دیده می شود. اسکافی (م ۳۳۶ق) می نویسد:

مادر وی، امّ ولد ی بود که نام او را سوسن گفتند و حدیث نیز گفته شده و

خدای داناتر است.^۱

بنابراین، در قرن چهارم، امّ ولد بودن و نام سوسن و حدیث، برای بانو قطعی بوده است. شیخ مفید، تنها به دو واحد اطلاعاتی در مورد بانو اشاره می کند؛ امّ ولد بودن و نام حدیث؛^۲ اما در اواخر قرن پنجم، در عیون المعجزات به سه مورد در مورد بانو اشاره شده است؛ امّ ولد بودن، نام سوسن و با لفظ «قیل» نام حدیث یا حدیثه و سلیل که نویسنده آن را صحیح تر می داند. همچنین، تنها منبع کهن که وصف «العارفات الصالحات» را برای این بانو آورده، همین عیون المعجزات است و تمام منابع پسین به آن استناد کرده اند.^۳ نویسنده در این کتاب، افزوده های دیگری داشته و اسامی «شَکْل النویّة»،^۴ «سوسن المغربیة»،^۵ «سقوس»^۶ و در انتها «حدیث» را ذکر کرده و با لفظ «الله اعلم»، عدم اطمینان خود را اظهار می کند. گفتنی است، این کتاب که پس از سال ۴۱۱ق نگاشته شده، مطالب فوق را برای اولین بار می آورد.

۱. اسکافی، الأنوار، ج ۲، ص ۳۱۳.

۲. مفید، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۳.

۳. حسین بن عبدالوهاب، عیون المعجزات، ص ۱۳۴.

۴. شَکْل، اهل نوبه. شَکْل، به معنای دختری است که در سفیدی چشم او سرخی باشد و شُکْلَة، به معنای گندم گونی است؛ اما در منابعی که این نام را آورده اند، اعراب و ضبط ندارد. بنابراین، نمی توان معنای قطعی برای آن ذکر کرد. (ر.ک: ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۰، ص ۱۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۵۸)

۵. سوسن، اهل مغرب.

۶. در کتب لغت، این لفظ دیده نشد و حتی منغوسه که در چاپ دیگری از کتاب دلائل الامامة وجود دارد، در کتب لغت نیست. از این رو، احتمال می رود تصحیف سوسن باشد.

در نسخه‌ای از *فصول المهمة* که در کتابخانه الآثار العراقية بوده و در سال ۱۱۰۵ ق با مقدمه و تصحیح توفیق الفکیکی نگاشته شده، نام بانو برای اولین بار «حدات» ذکر شده است.^۱ البته به نظر می‌رسد، تصحیف حُذیث باشد؛ زیرا در هیچ منبع دیگری دیده نمی‌شود. حُذیثه^۲ نیز تأیید حُذیث می‌باشد و نام مستقلی به شمار نمی‌آید. «حربیه»، نامی است که برای نخستین بار در *کشف الغمة* دیده می‌شود و به احتمال، تصحیف حُذیث یا حُذیثه است.^۳ برخی از نویسندگان با استناد به این نام که معنای حرب را دارد، نتیجه گرفته‌اند که وی به عنوان کنیز در مدینه زندگی می‌کرد و شاید همراه خانواده در یکی از جنگ‌های عصر حکومت بنی‌عباس به مدینه آمده است؛^۴ اما به نظر می‌رسد که با تغییر حرف «د» به «ر» در *کشف الغمة* تصحیف صورت گرفته است. نام «سلیل» برای اولین بار توسط مسعودی (م ۳۴۶ ق) در *اثبات الوصیة* آورده شده و سپس محمد بن عبدالوهاب (م قرن ۵) آن را در *عیون المعجزات* می‌آورد.^۵ نام «عسفان» نیز تنها در *فرق الشیعة* آورده شده و در هیچ منبعی اعم از پیشین و پسین، از نام مذکور یاد نشده است.^۶ سقوس، سلیل، سمانه، سوسن و شکل نیز اولین بار در *دلائل الإمامة* منسوب به طبری (م قرن پنجم) دیده شده است.^۷ اگر انتساب کتاب *دلائل الإمامة* به طبری را نپذیریم، متن این اثر مربوط به اوایل قرن پنجم بوده و در صورت هماهنگی مطالب با منابع معتبر دیگر، می‌توان اطلاعات آن

۱. ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمة فی معرفة الأئمة*، ج ۲، ص ۱۰۸۰.

۲. مفید، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۳.

۳. اربلی، *کشف الغمة*، ج ۲، ص ۹۱۰.

۴. محمد ابراهیم احمدی، «مادر امام»، مجله فرهنگ کوثر، ش ۷۰، ص ۱۴۲.

۵. حسین بن عبدالوهاب، *عیون المعجزات*، ص ۱۳۵.

۶. نوبختی، *فرق الشیعة*، ص ۹۶.

۷. طبری، *دلائل الإمامة*، ص ۴۲۴؛ ابن شهر آشوب، *المناقب*، ج ۴، ص ۴۲۱؛ ابن حاتم شامی، *الدر النظیم*،

ص ۷۳۷؛ ابن صباغ، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۸۰.

را به عنوان اثری متقدم مورد توجه داشت.^۱ ابن شهر آشوب نام «سمانه» و «مُتَفَرِّشَة» (یا منفرشه) الْمَغْرِبِيَّة را نیز به عنوان نام بانو می آورد.^۲ متفرشه، تنها در این کتاب دیده شده است. نام «غزاله مغربیه» را تنها در هداية الكبرى ذکر شده و نویسنده می نویسد: نام مادر امام علی (ع)، «حُدُیث» است و گفته شده «غزاله» بوده؛ ولی غزاله نام ثبت شده ای نیست.^۳ پس، صرف نظر از اثبات انتساب کتاب هداية الكبرى به خصیبی در اثری در قرن چهارم، «غزال» نام ثبت شده ای برای بانو نبوده است. نام ریحانه نیز تنها در سر السلسلة العلویة آورده شده است.^۴

بنابراین، نام حدیث و سوسن در بیشتر منابع متقدم ذکر شده است و نام هایی مانند «حدات» و «حربیه» تصحیف حدیث است و نام های: ریحانه، شَکَل، سقوس، غزاله و عسفان، تنها در یک منبع یا قول ضعیف آورده شده و قابل اعتنا نیست. ملیت این بانو را از تعابیر «شَکَل النوبیة» و «سوسن المغربیه»^۵ می توان استخراج کرد که چون نام شَکَل پذیرفته نشد، اضافه آن نیز رد می شود و با استفاده از «سوسن المغربیه» می توان وی را کنیزی از بلاد مغرب دانست؛ هرچند نوبی و مغربی بودن، مغایرتی با هم ندارند. کنیه بانو، اُمّ ابی محمد بوده^۶ و تنها در عیون اخبار الرضا (ع) در حدیث لوح - که محل تأمل است - اُمّ الحسن ذکر شده است.^۷

۱. رک: نعمت الله صفری فروشانی، «محمد بن جریر طبری آملی ودلائل الامامة»، علوم حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۲۲۵.
۲. اربلی، پیشین، ج ۲، ص ۳۸۵.
۳. خصیبی، هداية الكبرى، ص ۳۲۸.
۴. ابونصر بخاری، سر السلسلة العلویة، ص ۳۹.
۵. طبری، پیشین؛ ابن حاتم شامی، پیشین، ص ۷۳۷.
۶. صفار قمی، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۸۳؛ طوسی، الغیبة، ص ۲۳۰.
۷. صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۴۰.

در مجموع، مبحث امّ ولد بودن بانو، در منابع قرن چهارم و پنجم مطرح شده و از اخبار قطعی است.^۱ در اسامی او، با وجود اختلاف بسیار، می‌توان گفت نام حُدَیث (یا حَدیث) و سوسن، بیشتر مطرح شده است. وی از بلاد مغرب بوده؛ اما اینکه چگونه به مدینه وارد شده و با خاندان امامت پیوند یافته است، مشخص نیست و تنها گمانه‌زنی‌هایی در این مورد وجود دارد. برخی ورود بانو به خاندان امامت را بر اساس تولد امام عسکری (ع) و امام هادی (ع)^۲ بین سال‌های ۲۱۵ تا ۲۱۸ ق تخمین زده‌اند.^۳ برخلاف کنیزان دیگر که مادر امام (ع) و امّ ولد هستند، در مورد کیفیت ورود این بانو به خانه امام هادی (ع) داستانی ذکر نشده و گزارش‌ها با جمله «لما ادخلت...» و ماجرای حضور وی نزد امام هادی (ع) و سخنان آن حضرت آغاز شده است. از آنجا که بر اساس گزارش‌ها معمولاً کنیزانی که به عنوان مادر امام برگزیده می‌شدند، مانند: حمیده، نجمه، سمانه و نرجس، ابتدا به خدمت امام پیشین می‌رسیدند و این بانو برخلاف آنها به خود امام وارد شده، می‌توان دریافت که ورود او به خانه امام هادی (ع)، پس از شهادت امام جواد (ع)، یعنی سال ۲۲۰ ق به بعد بوده است. شیخ عباس قمی گوید:

در جنّات الخلود^۴ است که [بانو] در ولایت خودش پادشاه زاده بوده و کافی است در فضیلت او که مفزع (پناهگاه) شیعه و پناه و دادرس ایشان بعد از وفات حضرت امام حسن عسکری (ع) بوده است.^۵

۱. اسکافی، پیشین، ص ۸۶؛ مفید، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۳.
۲. تولد امام هادی (ع)، ۲۱۲ ق و تولد امام عسکری (ع)، ۲۳۱ ق است.
۳. محمدابراهیم احمدی، «مادر امام»، مجله فرهنگ کوثر، ش ۷۰، ص ۱۴۲.
۴. جنّات الخلود المعمور من جداول النور (حول شرح الاسماء الحسنی و معرفة الأنبیاء و تاریخ المعصومین الأربعة عشر و...، بالفارسیّة)، نگاشته محمدرضا بن محمد مؤمن امامی خاتون آبادی است. چاپ سنگی آن، به سال ۱۳۷۸ قمری مربوط است و ترجمه عربی آن، توسط سید حسن همدانی صورت گرفته است. (جنّات الخلود، ص ۳۸)
۵. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۳، ص ۱۹۰۷.

این مطالب، در منابع متقدم یافت نشد. امام هادی و عسکری علیهما السلام با کسی ازدواج نکردند و همسران آنان کنیز و ملک یمین آنها بودند. از این رو، گفته شده: از وجود همسر (حرّه) برای دو امام عسکریین علیهما السلام آگاهی نداریم و تنها امّ اولاد (مادر فرزندان) برای وی ذکر شده است.^۱

امّ ولد، به کنیزی گفته می‌شود که برای مولایش فرزند آورد؛ اما اینکه علامه تستری تعبیر «امّ اولاد» را آورده، نه «امّهات اولاد»، نشانگر این است که همه فرزندان امام هادی علیه السلام را از همین کنیز می‌داند و در این صورت، مادر امام عسکری علیه السلام، سید محمد، حسین و جعفر کذاب را یکی می‌داند. بنا به نقل مجلسی،^۲ از مصباح کفعمی (م ۹۰۵ق) امام هادی علیه السلام تنها یک سرّیه^۳ داشته است و غیر آن، همسری برای وی ذکر نشده است.^۴ بنا بر این نقل، بانو خدیث تنها همسر امام هادی علیه السلام بوده و صفات اصیل و شرافتمند و سخاوتمند برای وی ذکر شده است. دوران زندگی بانو هم‌زمان با هشت خلیفه عباسی بود که به شیوه خاص خود بر شیعیان فشار سیاسی و روانی وارد می‌کردند. این خلفا عبارت بودند از: معتصم عباسی (۲۱۸-۲۲۷ق)، واثق (۲۲۷-۲۳۲ق)، متوکل (۲۳۲-۲۴۷ق)، منتصر (۲۴۷-۲۴۸ق)، مستعین (۲۴۸-۲۵۱ق)، معتز (۲۵۱-۲۵۵ق)، المهدی بالله (۲۵۵-۲۵۶ق) و المعتمد علی الله (۲۵۶-۲۷۹ق). بیشتر اتفاقات، در دوران متوکل و معتمد علی الله رخ داد. تا زمان متوکل و هنگام تولد امام عسکری علیه السلام، فضای سیاسی مناسب‌تری برای اهل بیت علیهم السلام و شیعیان وجود داشت؛ اما از عصر متوکل (۲۳۲-۲۴۷ق) با وجود

۱. تستری، رساله فی تواریخ النبی و آل، ص ۷۵.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۱۷.

۳. سرّیه در لغت، به معنای نفیس و باشرافت است؛ البته معانی سخاوتمند و بامروت نیز برای آن گفته شده است و سرّوات، به معنای اشراف است. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۷۸)

۴. کفعمی، المصباح للکفعمی (جنة الأمان الواقیة)، ص ۶۹۲: «أُمُّهُ سُمَانَةُ نَقَشُ خَاتَمِهِ حِفْظُ الْعُهُودِ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُعْبُودِ كَانَتْ لَهُ سُرِّيَّةٌ لَا غَيْرُ وَكَانَ لَهُ خَمْسَةُ أَوْلَادٍ». البته در مصباح کفعمی موجود، این مطلب دیده نشد.

عبیدالله بن یحیی بن خاقان (م ۲۶۳ق)^۱، وزیر متوکل و معتمد که در رفتار ضد علوی شهرت داشت، دوران دشواری آغاز گردید.^۲

ج. گزارش‌های مربوط به همسر امام هادی علیه السلام

مجموعه گزارش‌های مربوط به بانو حُدیث را از یک زاویه می‌توان به مواردی با محوریت بیان صفات بانو و گزارش‌های مربوط به نقش‌های وی طبقه‌بندی نمود و از زاویه‌ای دیگر، بر اساس ترتیب نقش‌های وی چیش کرد.

۱. گزارشی با محوریت ویژگی‌های بانو حُدیث

در برخی منابع، وی را از عارفات و صالحات برشمرده‌اند. این تعبیر نخستین بار در قرن پنجم در کتاب *عیون المعجزات*^۳ دیده می‌شود که توصیف نویسنده کتاب از بانوست و به نقل از معصوم نیست تا به عنوان ویژگی وی مطرح شود. مجموعه منابع پسین از وی نیز این مطلب را آورده‌اند. افزون بر اینکه در انتساب کتاب به عبدالوهاب تردید جدی وجود دارد؛ حتی اگر به عنوان مطلبی که در اثری در قرن پنجم ذکر شده، مطرح شود، تنها نظر یک نویسنده است و قول معصوم نیست تا مورد تأیید و بحث قوی و جدی تاریخی قرار گیرد. از سویی، فاصله زمانی نویسنده با دوران حیات همسر امام هادی علیه السلام اقتضا می‌کند که برای بیان چنین مطلبی، واسطه‌ای وجود داشته باشد؛ زیرا خود، او را درک نکرده است.

۱. عبیدالله بن یحیی بن خاقان تا زمان قتل متوکل، وزیر وی بود و مستعین او را در سال ۲۴۸ق به رقه تبعید کرد و پس از پنج سال، به بغداد رفت و وزیر معتمد شد. وی در سال ۲۶۳ق به طور ناگهانی از دنیا رفت. (ذهبی، *تاریخ الإسلام*، ص ۱۳۲)

۲. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۴۷۸.

۳. منسوب به حسین بن عبدالوهاب، پیشین، ص ۱۳۵.

۲. گزارش‌های ناظر به پیش از پیوند با امام هادی علیه السلام

در اثبات الوصیه^۱ گزارشی از اولین ملاقات امام هادی علیه السلام با این بانو آورده شده است؛ وقتی که سلیل، مادر امام حسن عسکری علیه السلام نزد امام علی النقی علیه السلام آمد، آن حضرت فرمود: سلیل از آفت‌ها، گزنده‌ها، پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها محفوظ است و به وی فرمود: به زودی خدا حجت خود را به تو عطا خواهد کرد که زمین را پُر از عدل و داد نماید؛ آن گونه که پُر از جور و ستم شد. مادر امام حسن عسکری علیه السلام در مدینه به آن حضرت باردار شد و وی را در مدینه به دنیا آورد. ولادت و نشو و نما، نظیر ولادت پدرانش بود.^۲

از جمله صفاتی که با استفاده از گزارش فوق به نقل از معصوم در مورد همسر امام هادی علیه السلام ذکر شده، دوری وی از آفات و پلیدی‌ها و امراض است که در ضمن گزارش به ظاهر تقطیع شده^۳ مربوط به پیوند وی با امام هادی علیه السلام آمده است. این مطلب اولین بار در اثبات الوصیه منسوب به مسعودی (م ۳۴۶ق) دیده شده و قرن‌ها بعد در منتهی الآمال (شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۶۵۰) و سپس در مسند امام هادی علیه السلام و مسند امام عسکری علیه السلام^۴ و موسوعه امام هادی علیه السلام (خزعلی، ج ۱، ص ۵۲) و موسوعه امام عسکری علیه السلام (خزعلی، ج ۱، ص ۴۴) با استناد به همان اثبات الوصیه آورده شده و منبع دیگری متذکر آن نشده است. گرچه در انتساب کتاب به مسعودی (م ۳۴۶ق) صاحب مروج الذهب

۱. این کتاب در قرن چهارم نگاشته شده و منسوب به مسعودی صاحب مروج الذهب است. مجلسی از آن در بحار الأنوار بسیار استفاده نموده است. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۶، ح ۲۵؛ همان، ج ۱۰۲، ص ۶۱)

۲. مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۴۴.

۳. گزارش با «لما ادخلت سلیل...» آغاز شده است.

۴. عطار دی، مسند الإمام الهادی أبي الحسن علی بن محمد علیه السلام، ص ۱۱؛ همو، مسند الإمام العسکری أبي محمد الحسن بن علی علیه السلام، ص ۴۹.

اشکالات جدی وارد است، اما در اینکه کتاب در قرن چهارم نگاشته شده، تردیدی نیست و می‌توان به عنوان منبعی متقدم، به آن استناد کرد. اهمیت دیگر کتاب در این است که نویسندگان پسین مانند مجلسی در *بحار الأنوار* از آن نقل کرده‌اند.^۱

د. بازنگری نقش‌های بانو حُدیث در عصر امامین عسکریین (ع)
نقش‌های بانو را می‌توان در دو دوره امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) واکاوی:

۱. نقش بانو در دوران حیات امام هادی (ع)

امامت سی‌وسه ساله امام هادی (ع) با خلافت شش تن از خلفای عباسی مصادف بود؛ معتصم (۲۲۷-۲۳۲ق)، واثق (۲۳۲-۲۳۷ق)، متوکل (۲۳۲-۲۴۸ق)، منتصر (حدود ۶ ماه)، مستعین (۲۴۸-۲۵۲ق) و معتز (۲۵۲-۲۵۴ق). معتصم به بهانه‌های متعدد، برای امام و شیعیان محدودیت ایجاد می‌کرد و واثق تا حدودی رویه اعتدال داشت و کمتر از دیگر خلفا شیعیان را آزار می‌داد^۲ و شاید به همین سبب، در مدت خلافت وی آموزه‌های زیادی از امام هادی (ع) بر جای ماند. نیز در این دوره، اصحاب امام (ع) در دربار خلافت راه یافتند و میان مردم آزادانه حضور داشته، به حل مسائل و مشکلات مردم می‌پرداختند؛ اما با روی کار آمدن متوکل، وضعیت شیعیان تغییر یافت و اوضاع رو به وخامت گرایید.^۳ نقش‌های همسر امام هادی (ع) در دوران حیات وی، در دو برهه پیش از فراخوان امام (ع) به سامرا و پس از آن، قابل بررسی است.

عبارت «سِیْهَبَ اللَّهُ حِجَّتَهُ عَلَى خَلْقِهِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا؛ به‌زودی خداوند حجت خود بر خلقش را که زمین را آکنده از عدالت می‌کند؛ همان‌گونه که از

۱. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۱، ص ۳۶؛ همان، ج ۲۵، ص ۲۵؛ همان، ج ۱۰۲، ص ۶۱.

۲. جهت آگاهی بیشتر، رک: احمد رضا خضری، *تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه*، ص ۸۷ - ۱۰۷.

۳. ابن الطقطقی، *تاریخ فخری*، ص ۳۲۷.

ظلم پُر شد، به تو خواهد بخشید» در اثبات الوصیه که با حرف سین بر سر فعل «یهب» آمده، اشاره به نزدیک بودن زمان ملاقات با امام هادی (ع) و تولد فرزند بانو دارد و همچنین، خبر شیخ مفید از علی بن عمرو عطار بر این مطلب که امام عسکری (ع) فرزند بزرگتر امام هادی است، تصریح دارد. در مقاله حاضر، زمان ورود بانو به خانه امام، به طور حداقلی، ۲۳۰ ق تخمین زده می شود. در این زمان، امام هادی (ع) ۱۸ ساله بوده است.

شیخ مفید نقل می کند که در زمان حیات ابوجعفر محمد (سید محمد)، فرزند دیگر حضرت ابو الحسن، از امام می پرسد: نزدیک ترین فرزندان به شما کدام هستند؟ امام (ع) فرمود: «اینک هیچ کدام را نزدیک تر به من از نظر مقام امامت ندانید، تا اینکه خودم نزدیک ترین فرزندانم را برای شما معرفی کنم.» راوی گوید: من که بیش از این تاب تحمل نداشتیم، پس از چندی در عریضه ای نوشتیم: امر امامت پس از شما به دست کدام یک از فرزندان شما اداره می شود؟ امام پاسخ داد: «بزرگ ترین فرزندانم امور امامت را اداره می کند.» علی بن عمرو عطار پس از بیان خبر گفت: حضرت ابومحمد (امام حسن عسکری (ع))، از ابوجعفر (سید محمد) بزرگ تر بود. بنابراین، اولین فرزند امام هادی (ع)، امام عسکری (ع) و مادرش حدیث است.

بانو از سال ۲۳۰ تا ۲۳۳ ق، یعنی زمان فراخوان امام به سامرا را در مدینه زندگی می کند. گزارش خاصی از نقش و تأثیر بانو در اوضاع سیاسی - اجتماعی مدینه و شیعیان در این سه سال وجود ندارد؛ اما با توجه به فشار و اختناق حاکم، می توان حدس زد که به هنگام تفتیش خانه توسط یحیی بن هرثمه^۱ و ایجاد محدودیت برای خانواده اهل بیت (ع) و شیعیان وی، بی تفاوت نبوده است.

۱. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۲۲.

با توجه به اینکه فرزند دوساله حضرت نیز ایشان را در سفر به سامرا^۱ همراهی می‌کرده، بسیار بعید به نظر می‌رسد که بانو حُدیث، امام را در این سفر همراهی نکرده باشد.

تحمل فشارهای سیاسی و روانی دستگاه خلافت عباسی (مسائل برون‌خانوادگی)

سیاست مداراگرایانه مأمون (۱۹۸-۲۱۸ق)، تا زمان متوکل (۲۳۲-۲۴۷ق) ادامه داشت؛ اما از آن پس، فشارهای زیادی بر شیعیان وارد شد. از جمله سیاست‌های متوکل، این بود که امام هادی (ع) را در سال ۲۳۳ق به همراه خانواده‌اش، از مدینه به سامرا، پایتخت خود، فراخواند تا تحت نظارت باشد. گرچه متوکل در نامه به امام برای جلوگیری از حساسیت مردم و پاسخگویی به افکار عمومی محترمانه برخورد کرده بود،^۲ اما رفتارهای بعدی او، حاکی از سیاست ضدّ علوی وی بود.^۳ تفتیش منزل امام (ع) توسط یحیی بن هرثمه قبل از خروج از مدینه، نمی‌توانست بدون حرمت‌شکنی، اجبار و زور باشد. ابن شهر آشوب به این زور و اجبار تصریح کرده است؛^۴ اما منابع پیشین در این مورد ساکت است. بنا به نقل شیخ مفید، در آغازین روز ورود امام (ع) به سامرا، به دستور متوکل وی را به مدت یک روز در «خان صعالیک» که محل نگهداری کاروان‌ها و به عبارتی مهمان‌سرای فقرا بود، نگاه

۱. سامرا، بیش از نیم قرن پایتخت خلفای عباسی بوده و معتصم عباسی، الواثق بالله، متوکل، منتصر بالله، مستعین، معتز، مهدی و معتمد، در این شهر حکومت کردند. امام هادی (ع) بیست سال از مجموع ۳۳ سال امامت خود را در این شهر تحت مراقبت‌های شدید خلفای عباسی بود. به دلیل فشار حکومت خلفای عباسی، وضعیت مالی شیعیان در این ایام، به‌خصوص در زمان حکومت متوکل، سخت بود. (اصفهانی، پیشین، ص ۵۹۹) سامرا، مدفن امام هادی و امام حسن عسکری (ع)، حکیمه خاتون، دختر امام جواد (ع)، سمانه مادر امام هادی (ع)، سوسن یا حُدیث مادر امام حسن عسکری (ع) و نرگس مادر حضرت مهدی (ع) بود.

۲. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۲۲ و ۳۲۳.

۳. مفید، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۱.

۴. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۱۳.

داشتند و روز بعد به منزل مورد نظر خویش بردند.^۱ البته در کتاب تاریخ بغداد آمده است که پس از فراخوان امام هادی (ع) از مدینه به سامرا به سال ۲۳۳ق و در زمان خلافت معتصم عباسی، امام (ع) خانه‌ای بزرگ را در این شهر از دلیل، فرزند یعقوب نصرانی، خریداری نمود و همین خانه، مدفن آن حضرت شد.^۲ این خانه، در مرکز شهر سامرا قرار داشت و محل زندگی امام هادی و امام حسن عسکری (ع) و محل تولد حضرت مهدی (ع) در سال ۲۵۵ق و همچنین محل زندگی مادران ائمه (ع): سمانه، حُدیث و بانورجس بوده است. خانه امام (ع) در احاطه چند پادگان نظامی قرار داشت و خانواده امام (ع) همواره تحت نظارت جاسوسان بودند.^۳ به نظر می‌رسد، راستی‌آزمایی روایات با مضمون «ائمه اثنی عشر» و در نتیجه، جدی‌تر شدن مبحث امامت امام دوازدهم و رفع ظلم و ستم حکام توسط وی که تا آن زمان در حافظه سیاست‌مداران و مردم به عنوان پیشگویی محتمل‌الوقوع پیامبر (ع) و ائمه (ع) تلقی می‌شد، موجب این نظارت‌های شدید و اعمال فشار روانی بیشتر بر اهل بیت (ع) و خانواده‌های آنان شده بود. به طور قطع، چنین شرایطی برای بانوان منزل بسیار سخت خواهد بود. با مطالعه عمیق و دقیق منابع تاریخی در حوزه اهل بیت‌نگاری، شباهت سه دوره امامت امام حسین (ع)، امام صادق (ع) و امام عسکری (ع) و برجسته‌تر شدن نقش‌های سه بانو، یعنی حضرت: زینب (ع)، حُمَیده و حُدیث را با وضوح بیشتر می‌توان مشاهده کرد. این سه بانو، وصی امام زمان خویش قرار گرفتند. شیخ مفید در کتاب الفصول العشرة به این مطلب اشاره دارد که همان‌گونه که امام حسین (ع) برای حفظ جان امام سجاد (ع)، حضرت زینب (ع) را وصی خویش قرار داد، امام عسکری (ع) هم مادرش، حُدیث را وصی خویش قرار داد، تا جان امام زمان (ع) حفظ

۱. مفید، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۱.

۲. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۲.

۳. رک: جعفر بن منصور الیمن، سرائر و اسرار النطقاء، ص ۲۵۳ و ۲۵۴؛ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۰۵.

شود و این، یک پوشش بود.^۱ شیخ طوسی نیز در کتاب *الغیة* همین مسئله را بیان می‌کند و ماجرای وصایت بانو حُمیده، مادر امام کاظم (ع) را نیز از همین سنخ می‌داند.^۲

بانو حُدیث، همسر امام هادی (ع) در شرایط نامساعد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی تحمیل شده بر شیعیان می‌زیست. هجوم ناگهانی به خانه امام (ع) در مدینه و سامرا و تفتیش منزل از سوی کارگزاران دستگاه خلافت، فشار روانی زیادی بر خانواده وارد می‌ساخت و نیازمند مدیریت بحران از سوی مادر، به عنوان مسئول امور خانه بود. گزارش شده است که روزی به متوکل گزارش دادند در منزل امام هادی (ع) سلاح و نامه‌هایی از شیعیانش وجود دارد. وی به سربازان خود دستور داد بدون اطلاع قبلی به منزل امام حمله برند. وقتی وارد خانه شدند، امام (ع) را در اطلاقی که زیرانداز آن از شن و ماسه بود، درحالی که در را بر روی خود بسته و لباسی پشمینه بر تن کرده و روپوشی بر سر انداخته و آیاتی از قرآن در مورد وعد و وعید را تلاوت می‌کند، دیدند. وی را با همان حالت نزد متوکل آوردند. گرچه منابع تاریخی در این زمینه ساکت مانده و اطلاعات جزئی به دست نمی‌دهند، اما با کنار هم قرار دادن گزارش‌ها و تصویرسازی صحیح، می‌توان جزئیات را دریافت. برای ترسیم حرمت‌شکنی خلفای عباسی همین کفایت می‌کند که در ادامه ماجرای دستگیری امام هادی (ع) گفته شده متوکل جام شرابی در دست داشت. آن حضرت را در کنار خود جای داد و پیاله‌ای به او تعارف کرد. امام عذر خواست و فرمود: گوشت و خون من تا به حال با شراب آلوده نشده است. متوکل از امام (ع) خواست شعری که او را به وجد و نشاط آورد، بخواند. امام فرمود: کمتر شعر می‌خوانم؛ اما به‌اصرار او شعری خواند.^۳

۱. شیخ مفید، *الفصول العشرة*، ص ۴۶.

۲. طوسی، *الغیة*، ص ۱۴۳ و ۱۴۴.

۳. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۱۸، ص ۱۹۹؛ ابن‌کنیر دمشقی، *البدایة والنهاية*، ج ۱۱، ص ۱۵.

پس از شهادت امام عسکری (ع) و نگرانی دستگاه خلافت از وجود فرزندی برای آن حضرت و در نتیجه، توقیف صقیل یا نرجس (متوفای ۲۹۵ یا ۳۲۰ ق)^۱ در خانه امام که در مدت آن اختلاف است، دو دستگی و اختلاف شدیدی بین اعضای خانواده امام هادی (ع) ایجاد شد. از یک سو، حُدیث مادر امام عسکری (ع) و حکیمه، عمه آن حضرت که از وجود امام زمان و امامت وی خبر داشتند، در پی کسب میراث امام بودند و از طرف دیگر، جعفر کذاب^۲ و به نقل از برخی منابع، تنها خواهر امام عسکری (ع) - که نام او را فاطمه و لقب وی را عَلِیّه^۳ و یا دلاله^۴ و یا عایشه^۵ که به نظر می‌رسد تصحیف عَلِیه باشد، ذکر کرده‌اند - ادعای میراث داشتند.^۶ بسیاری از طرفداران جعفر، پس از درگذشت او، قائل به امامت همین خواهر وی شدند.^۷ در هر حال، بنا به برخی گزارش‌ها، پس از هفت سال، میراث امام بین جعفر و مادر امام و یا خواهر امام، تقسیم شد.^۸ گفته شده است که حُدیث

۱. احتمال حداقلی رحلت بانو نرجس، بنا به نقل ابن حزم ظاهری و شواهد دیگر، ۲۹۵ ق است که در این صورت، بانو در ۶۲ سالگی دار فانی را وداع گفته است؛ یعنی ابتدای دولت المقتدر بالله. احتمال حداکثری نیز رحلت وی بنا به نقل ابن حزم ظاهری، ۳۲۰ ق است که در این صورت، در ۸۷ سالگی از دنیا رفته است؛ یعنی انتهای دولت المقتدر بالله. وی در سامراً در قسمت پایین قبر امام عسکری (ع) به خاک سپرده شد. (ر.ک: ناهید طیبی، پژوهشی نو درباره مادر امام زمان (ع)، ص ۲۶۹)

۲. صدوق، کمال الدین، ص ۵۰۸.

۳. طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۲۷.

۴. طبری، دلائل الامامة، ص ۴۲۶.

۵. مفید، الإرشاد، ص ۳۱۲.

۶. حسین مدرسی، مکتب در فرآیند تکامل، ص ۱۶۲.

۷. جهت اطلاع بیشتر، ر.ک: حسین مدرسی طباطبایی، مکتب در فرآیند تکامل، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.

۸. همان، ص ۱۶۲.

۹. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۰۵؛ اشعری، المقالات والفرق، ص ۱۰۲؛ ابن حزم ظاهری، الفصل فی الملل والاهواء والنحل، ج ۴، ص ۱۵۸.

و حکیمه، در یک سوی این قضیه بودند و جعفر کذاب و خواهر امام (ع) در طرف دیگر. اینکه خواهر امام نیز وارث او بود، فقط در کتاب‌های اهل سنت مطالبی نقل شده است.^۱ در مجموع، برای بانو حُدیث در عصر امام هادی (ع) نقش‌های زیر را می‌توان مطرح نمود:

- ایفای نقش همسری در شرایط دشوار سیاسی تحت نظارت شدید دستگاه حاکم عباسی؛

- حفظ و نگهداری از امام پسین (امام عسکری (ع)) پیش و پس از تولد در شرایط سخت یادشده؛

- حفظ اسرار خاندان امامت؛

- حفظ آرامش به هنگام دستگیری امام هادی (ع) و حرمت‌شکنی‌های خلفای عباسی و مسائل برون‌خانوادگی؛

- مدیریت بحران در مسائل درون‌خانوادگی.

۲. نقش‌های بانو حُدیث در عصر امام عسکری (ع)

پس از شهادت امام هادی (ع) در سال ۲۵۴ق و آغاز امامت امام عسکری (ع)، گزارش‌های حاکی از نقش بانو حُدیث، همسر امام (ع) و مادر امام عسکری (ع) را در دو بخش می‌توان واکاوید؛ گزارش‌های مربوط به پیش از شهادت امام عسکری (ع) و پس از شهادت آن حضرت.

۱-۲. نقش بانو پیش از شهادت امام عسکری (ع)

در *بصائر الرجات* از حسن بن علی زیتونی از ابراهیم بن مهزیار و سهل بن هرمزان از محمد بن ابی زعفران از اُمّ ابی محمد، مادر امام عسکری (ع)، نقل شده که فرمود:

۱. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۳، ص ۱۲۱.

یکی از روزها امام عسکری علیه السلام به من فرمود: در سال ۲۶۰ ق مشکلی بر من خواهد رسید که می ترسم مرا دچار رنج و مشقت نماید و اگر از این ابتلا سالم ماندم، در سال ۲۷۰ ق این اتفاق خواهد افتاد. بانو فرمود: من به جزع و فزع افتاده و گریستم. امام فرمود: امر خدا باید اجرا شود؛ جزع و فزع مکن مادر! راوی گوید: وقتی که ماه صفر سال ۲۶۰ هجری فرا رسید، وی دچار نگرانی شدید، اضطراب و ناراحتی شد و گاهی از مدینه خارج می شد و خبر می گرفت؛ تا زمانی که به او خبر رسید.^۱

بخش ابتدایی این روایت، در *اثبات الوصیه مسعودی* به نقل از حمیری به همان سند صفار قمی، عین لفظ و معنای روایت نقل شده است؛^۲ اما پس از آن، مطالبی دیده می شود که برای اولین بار در *اثبات الوصیه* آمده است و راوی در ادامه روایت، به برخورد معتمد و زندانبان با امام و زندانی کردن جعفر کذاب همراه امام علیه السلام می پردازد که با دیگر منابع شیعی همخوانی ندارد. به سبب خارج نشدن از موضوع، در این مقاله آن را ذکر نمی کنیم. منابع پسین، جملگی از این دو منبع نقل کرده اند.

در خصوص نقش بانو خدیث در دوران پیش از شهادت امام علیه السلام، دو پرسش اساسی مطرح می شود که پاسخ قطعی برای آن نمی توان یافت و باید به گمانه ها اتکا نمود:

۱. علت عدم حضور بانو در ماجرای پیوند امام عسکری علیه السلام و نرجس چیست؟
۲. چرا در جریان تولد امام زمان علیه السلام هیچ ردّ پایی از خدیث دیده نمی شود؟

۱. صفار قمی، پیشین، ج ۱، ص ۴۸۳: «قَالَ لِي أَبُو مُحَمَّدٍ يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ تُصِيبُنِي فِي سَنَةِ سِتِّينَ حَرَارَةٌ أَخَافُ أَنْ أَنْكَبَ فِيهَا نَكْبَةً فَإِنْ سَلِمْتُ مِنْهَا فَإِلَى سَنَةِ سَبْعِينَ قَالَتْ فَأُظْهِرْتُ الْجَزْعَ وَبَكَيْتُ فَقَالَ لِي لَا بُدَّ لِي مِنْ وَقُوعِ أَمْرِ اللَّهِ فَلَا تَجْزَعِي فَلَمَّا أَنْ كَانَ أَيَّامُ صَفَرٍ أَخَذَهَا الْمُقِيمُ الْمُقْعِدُ وَجَعَلَتْ تَقُومُ وَتَقْعُدُ وَتَخْرُجُ فِي الْأَحْيَاءِ إِلَى الْجَبَلِ تُجَسِّسُ الْأَحْبَابَ حَتَّى وَرَدَ عَلَيْهَا الْخَبَرُ.»

۲. مسعودی، پیشین، ص ۲۵۴ - ۲۵۶. بر اساس این گزارش، امام علیه السلام در سال ۲۵۹ ق مادر خویش را از وقایع سال ۲۶۰ ق آگاه کرده و از وی خواست تا به حج مشرف شود و امام زمان علیه السلام را به وی سپرد و در مورد او وصیت لازم را نمود. آنگاه اسم اعظم و میراث های امامت و سلاح را به این بانو واگذار کرد و آنان به سوی مکه رهسپار شدند.

در هیچ یک از منابع موجود، پاسخ صریحی به این دو پرسش داده نشده است و می‌توان احتمالات ذیل را با توجه به گزارش‌های مرتبط مطرح کرد:

- احتمال دارد چون بانو در خانه امام (ع) حضور داشت و مانند دیگر اهالی منزل تحت نظارت شدید جاسوسان بود، امام هادی (ع) حکیمه را که خارج از منزل بود، گزینه بهتری برای ثبت میلاد موعود می‌دانست.

- شاید هنگام پیوند امام عسکری (ع) و میلاد امام زمان (ع)، وی به طور طبیعی در سامرا نبوده است. در این مورد، منابع تاریخی ساکت است و هیچ شاهی بر ادعای مورد نظر نیست؛ اما با توجه به وسایل سفر در آن زمان، امکان دارد سفرهای دیگری برای انجام مناسک حج و یا حتی انجام مأموریت‌هایی از سوی امام (ع) داشته و این دو واقعه مهم در آن زمان‌ها صورت گرفته باشد. بر اساس گزارش‌های موجود، در روایتی تصریح شده است که راوی از حکیمه در مورد اینکه آیا خود، امام را مشاهده کرده و یا خبر از او دارد، می‌پرسد و آن بانوی علوی می‌گوید:

خبر او را از ابو محمد (ع) شنیده‌ام و آن را برای مادرش نوشته بود.^۱

بنابراین، خبر ولادت قائم از طریق مکاتبه به بانو داده شده است که نشانگر عدم حضور وی در مدینه است.

۲-۲. نقش بانو پس از شهادت امام عسکری (ع)

پس از شهادت امام عسکری (ع)، بارزترین رفتارهای سیاسی و اجتماعی از این بانو مشاهده می‌شود. شهادت امام هادی (ع) (۲۵۴ق) و امامت عسکری (ع) و جدی‌تر شدن ماجرای امام دوازدهم که نشانگر صحت «احادیث اثنی عشر» بود، موجب ایجاد توطئه‌های دستگاه حاکم عباسی برای ترور امام عسکری (ع) شد. بنا به نقل شیخ طوسی، مهتدی (۲۵۵-۲۵۶ق) قصد کشتن امام را داشت؛ اما پیش از اقدام به قتل، ترکان بر او

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۷؛ طوسی، الغیبه، ص ۲۳۰.

شوریده و معتمد عباسی را بر جای وی نشانند.^۱ برخی، کارکرد حدیث اثنی عشر را در حدّ اعجاز دانسته و گویند:

سنّی‌ها از دیرزمان این حدیث را نسلّاً بعد نسل روایت کرده و نسبت به آن عنایت تمام داشتند و حتی در زمان خلافت ولید دوم (۱۲۵-۱۲۶ق) که نهضت ضدّ اموی قدرت گرفته بود و... عده زیادی از محدثان اهل سنّت این حدیث (اثنی عشر) را در همه جا می‌خواندند.^۲

در هر حال، حضور بانو حُدیث در خانه امام علیّه در این شرایط، تأثیرات بسیاری می‌توانست داشته باشد.

خبر شهادت امام عسکری علیّه و رفتار بانو حُدیث

ماجرای بازگشت بانو به سامرا پس از شنیدن خبر شهادت امام عسکری علیّه اولین بار در کتاب *الأنوار اسکافی* (م ۳۳۶ق) که منتخب آن در دسترس است، به اختصار ذکر شده است. نویسنده به نقل از راوی می‌نویسد:

أمّ ابی محمد که نامش حُدیث بود، هنگامی که خبر [شهادت امام] از سامرا به وی رسید، از مدینه بازگشت و قصه‌های طولانی در مورد وی وجود دارد که شرح آن به درازا می‌کشد و من آنها را ذکر نکردم.^۳

در کتاب *در النظم* روایتی دیده می‌شود که به نظر می‌رسد ادامه روایت یادشده در *بصائر الدرجات* و *اثبات الوصیه* باشد؛ اما بخش اول آن ذکر نشده است. بر اساس این گزارش، وقتی خبر وفات امام عسکری علیّه در مدینه به این بانو رسید، به سوی سامرا

۱. طوسی، *الغیبه*، ص ۱۳۴.

۲. حسین مدرسی، *مکتب در فرآیند تکامل*، ص ۱۸۸ و ۱۸۹. وی معتقد است که کوتاه‌فکران در صحت و اصالت این حدیث، تردید می‌کنند. سپس، به پاسخگویی اشکالات آنان می‌پردازد. (همان، ص ۱۹۶ - ۱۹۸)

۳. اسکافی، *پیشین*، ص ۸۹.

رهسپار شد و بین او و جعفر، داستان‌هایی اتفاق افتاد و کنیز امام (ع)، صقیل، ادعای بارداری کرد. وی را به خانه معتمد عباسی بردند و زنان و خادمان و همسر موفق عباسی و قاضی شوارب، وی را تحت نظر گرفتند؛ تا زمانی که قیام صفار و مرگ عبدالله بن یحیی بن خاقان و قیام صاحب‌الزنج اتفاق افتاد و دستگاه حاکم را به خود مشغول کرد و آنها این مسئله را وانهادند.^۱ در ماجرای ادعای بارداری، سخنی از حُدیث نیست؛ اما با توجه به بازگشت وی به سامرا و منازعات با جعفر که قطعاً به انگیزه حفظ اموال امام حاضر بوده است، نمی‌توان منکر نقش تأثیرگذار این بانو شد و به نظر می‌رسد، در طراحی ادعای یادشده نقش داشته است.

بحث گماشتن جاسوس در خانه امام عسکری (ع) و ادعای حمل صقیل در کتاب *سرائر و اسرار النطقاء* که به سال ۳۸۰ ق توسط جعفر بن منصور الیمن از داعیان نخست فاطمیان نگاشته شده، دیده می‌شود. در این کتاب آمده است که برای دستیابی به اموال ایتام و وجوهات، به جاریه‌ای به نام صقیل (صقیل) روی آورده و برای وی نگاهبان و جاسوس گذاشتند و گفتند که منتظر، در شکم اوست.^۲

مواجهه بانو با جعفر کذاب

شیخ صدوق نقل می‌کند: امام حسن عسکری (ع) روز جمعه وقت نماز صبح درگذشت و... چون خبر وفات ابومحمد (ع) به مادرش رسید، از مدینه به سامرا آمد و نامش «حُدیث» بود و داستان‌های مفصلی با جعفر، برادر امام حسن (ع) دارد و جعفر از او مطالبه میراث نمود.^۳

۱. ابن حاتم شامی، پیشین، ص ۷۳۸.

۲. جعفر بن منصور الیمن، *سرائر و اسرار النطقاء*، ص ۲۵۳ و ۲۵۴؛ نوبختی، *فرق الشیعه*، ص ۱۰۵.

۳. صدوق، پیشین، ج ۲، ص ۴۷۲.

شیخ صدوق در پاسخ به کسانی که جعفر کذاب را جانشین امام عسکری علیه السلام دانسته‌اند، دلایلی را بیان می‌کند که یکی از آنها، به بانو خدیث مربوط می‌شود. وی معتقد است این گونه اخبار، دیگر گزارش‌ها را تکذیب می‌کند؛ اما اخبار وی در مورد امام عسکری علیه السلام متواتر و غیرمتناقض است. از جمله اخبار متواتر، این است که جعفر کذاب از خلیفه المعتمد علی الله (۲۵۶-۲۷۹ق) و وزیر وی یاری خواست تا میراث امام حسن عسکری علیه السلام را از مادر آن حضرت دریافت کند؛ با وجود آنکه شیعیان اجماع و اتفاق داشتند که با وجود مادر، برادر ارث نمی‌برد.^۱

بنا به نقل نوبختی، از آنجا که فرزندی در ظاهر برای امام عسکری علیه السلام شناخته نشد، میراث وی بین برادرش، جعفر و مادرش که امّ ولدی به نام «عسفان» بود و سپس امام عسکری علیه السلام وی را «خدیث» نامید، تقسیم شد.^۲ بنا بر نقل شیعه، میراث امام علیه السلام پس از کشف خلاف در ادعای کنیز، میان مادر امام و برادرش جعفر^۳، و به نقلی دیگر، خواهر تنی امام تقسیم شد. منازعه بین جعفر کذاب و خدیث، مادر امام حسن عسکری علیه السلام، منحصر به این مورد نبوده است.

بانو خدیث، پناه شیعیان پس از امام عسکری علیه السلام

بر اساس حدیثی از شیخ صدوق، احمد بن ابراهیم گوید: در مدینه بر حکیمه، دختر امام جواد علیه السلام و خواهر امام هادی علیه السلام در سال ۲۶۲ق وارد شدم و از پشت پرده با وی سخن گفتم و از دینش پرسیدم؛ امام را نام برد و گفت: فلان بن الحسن و نام وی را بر زبان جاری ساخت. گفتم: فدای شما شوم! آیا او را مشاهده کرده‌ای و یا آنکه خبر او را شنیده‌ای؟ گفت: خبر او را از ابومحمد علیه السلام شنیده‌ام و آن را برای مادرش نوشته بود. گفتم:

۱. همان.

۲. نوبختی، پیشین، ص ۹۶.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۵.

آن مولود کجاست؟ گفت: مستور است. گفتم: پس، شیعه به چه کسی مراجعه کند؟ گفت: به جدّه او، مادر ابومحمد (ع). گفتم: آیا به کسی اقتدا کنم که به زنی وصیت کرده است؟ گفت: به حسین بن علی بن ابی طالب اقتدا کرده است؛ زیرا حسین (ع) در ظاهر به خواهرش زینب وصیت کرد و دستورات علی بن حسین (ع) به جهت حفظ جانش، به زینب نسبت داده می‌شد. سپس گفت: شما اهل اخبارید. آیا برای شما روایت نشده است که نهمین از فرزندان حسین (ع)، میراثش در دوران حیاتش تقسیم می‌شود؟^۱

در کتاب کمال الدین، در دو مورد این روایت نقل شده است که در اوّلی تاریخ ملاقات سال ۲۶۲ ق^۲ و در دومی ۲۸۲ ق^۳ ذکر شده است. البته با توجه به شرایط و زمینه‌های تاریخی، تاریخ اوّل صحیح است؛ زیرا تا سال ۲۸۲ ق که ۲۲ سال از شهادت امام گذشته بود، اصحاب امام عسکری (ع) و سفرای امام زمان (ع)، شیعه را تا حدودی از تحریر خارج ساخته بودند. در کتاب الغیبه همین روایت با این تفاوت که خدیجه به جای حکیمه وارد شده، نقل شده است.^۴

نکات قابل توجه در گزارش، عبارت است از:

- نقل راویان مرد از اُمّ ابی محمد، نشانگر حضور وی در مجامع حدیثی و علمی است.
- اعتماد زیاد امام به مادر خویش برای بیان اسرار خاصّ امامت، نشانگر جایگاه والای بانو نزد آن حضرت است.
- اظهار پیشگویی‌های امام (ع) نزد بانو.

- اینکه امام (ع) می‌فرماید: «در سال ۶۰ (= ۲۶۰ ق)، و اگر از آن فتنه سالم ماندم در سال ۷۰ (= ۲۷۰ ق)»، نشانگر شهادت امام (ع) به دست یا به امر خلفای عباسی است؛

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۷.

۲. همان، ص ۴۵۴.

۳. همان، ص ۴۵۹.

۴. طوسی، الغیبه، ص ۲۳۰.

هرچند شیخ مفید شهادت امامان غیر از امام علی (ع) و امام حسن (ع) و حسین (ع) را نمی‌پذیرد.^۱

- امام عسکری (ع) در هشتم ربیع الأول به شهادت رسید و بانو از ماه صفر در جست‌وجوی خبر از فرزندش بود و این، طبیعی است.

- بانو هنگام شهادت امام عسکری (ع) در سامراً حضور نداشته است؛ همان‌گونه که به هنگام میلاد امام زمان (ع) حضور نداشته است و با نامه‌ای از فرزند خویش از تولد باخبر می‌شود.

- خروج از محل زندگی، وجود یک برنامه خاص دینی یا اجتماعی را برمی‌تابد و می‌توان احتمال داد بر اساس روایتی که امام عسکری (ع) وی را وصی خود در موقوفات و وجوهات قرار می‌دهد، پیش از آن نیز برنامه‌هایی برای امور مالی شیعیان داشته و سفرها به این دلیل بوده و یا وی بیش از یک بار به انجام مناسک حج همت گمارده است.

- بر اساس تعبیر «تجسس الأحباب» در گزارش، بانو باید در مدینه با محبان اهل بیت (ع) و شیعیان ارتباط قوی داشته باشد؛ با وجود فاصله جغرافیایی که پس از سال‌ها با این شهر داشته و با وجود خفقان موجود که کارگزاران عباسی ایجاد کرده بودند.

- گرچه روایتی از بانو در عصر حاضر بر جای نمانده، اما وی از زنان راوی حدیث بوده است. برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق)، شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) و طبرسی (م ۵۴۸ق) نجمه، مادر امام رضا (ع)، سمانه مادر امام هادی (ع) و سوسن مادر امام حسن عسکری (ع) را از راویان حدیث برشمرده‌اند.^۲

۱. رک: مفید، الإرشاد، ج ۲، زندگی‌نامه مجموعه امامان:.

۲. جهت اطلاع بیشتر، رک: قهپایی، مجمع الرجال، ج ۷، ص ۱۷۳.

وصایت بانو

بر اساس منابع شیعه، ادعای حُذیث در مورد وصیت امام حسن عسکری (ع) نزد قاضی مطرح و اثبات شده است؛ «و مادرش ادعای وصایت امام (ع) را کرد و این مسئله نزد قاضی ثابت شد.»^۱ و در پی همین مدعا بوده است که خلیفه در پی یافتن نشانه‌هایی از فرزند امام بود. وضعیت شیعیان به گونه‌ای بود که برخی معتقد بودند پس از رحلت امام، مادرش حُذیث عهده‌دار امامت خواهد شد.^۲ بنابراین، مطلبی که دلالت بر وصی قرار دادن حُذیث است، صحت دارد و شیخ مفید در کتاب *الفصول العشرة* این مطلب را بیان نموده و استدلال مناسبی هم جهت وصایت بانو آورده و می‌نویسد: «وصیت امام حسن (ع) که مشهور است به مادرش - به نام حُذیث و با کنیه أم الحسن - نموده، در امور وقفی و صدقات و امضای آن بر اساس شرایط (موجود) است و اینکه در وصیت آن حضرت، نامی از فرزند منتظر او برده نشده است.»^۳ بر اساس استدلال وی، شیعیان در مسئله وصی بودن حُذیث، به امام حسین (ع) اقتدا می‌کنند که حضرت زینب (ع) را به خاطر حفظ جان امام سجاد (ع)، در ظاهر امر، وصی خویش قرار داد.

بنابراین، آنچه در زمان شیخ مفید در بین مردم شهرت داشته، وصیت امام حسن عسکری (ع) در امور اقتصادی و دینی به مادر آن حضرت است. در آن دوره، بیشتر مناطق شیعه‌نشین در قلمرو خلافت عباسی قرار داشتند؛ اما به سبب نگاه ضد شیعی دستگاه حاکم، شیعیان در تنگنا بودند. از این رو، بحث موقوفات و صدقات شیعیان در آن زمان، با توجه به حضور وکلای مورد اعتماد حضرت در سرزمین‌های اسلامی، از مهم‌ترین مسائل زمان محسوب می‌شد؛ به‌ویژه که صاحب اصلی این امور باید از دیدگاه مردم غایب می‌بود

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۰۴ و ۵۰۵؛ صدوق، پیشین، ص ۴۳؛ طوسی، الغیبة، ص ۷۵ و ۱۳۸.

۲. صدوق، پیشین، ص ۵۰۶ و ۵۰۷؛ خصیبی، پیشین، ص ۳۶۶.

۳. مفید، *الفصول العشرة*، ص ۴۶.

و فردی مطمئن و قابل اعتماد و در عین حال، فعال و تأثیرگذار به عنوان حافظ این اموال باید انتخاب می‌شد. نکته مهم و جالب این است که با وجود حکیمه که علوی بود، حدیث به عنوان وصی حضرت انتخاب می‌شود. ممکن است در اینجا بحث طبقات ارث مطرح شود که به یقین در بخش اموال خصوصی حضرت، این طبقه‌بندی مورد نظر است؛ نه موقوفات و صدقات.

زندگی امام زمان (عج) نزد بانو

شیخ صدوق نقل می‌کند: در زمان حیات اُمّ ابی محمد (عج) با جمعی به محله عسکر رفتیم و یاران من برای زیارت امام (عج)، نامه‌ای نوشتند و برای یک‌یک اجازه گرفتند. من گفتم: اسم مرا ننویسید که اجازه نمی‌خواهم و اسمم را ننوشتند. جواب رسید: همه داخل شوید و آن هم که از اجازه سرباز زد، داخل شود.^۱

از این روایت، معلوم می‌شود که برای مدتی امام زمان (عج) نزد این بانو می‌زیسته است و برخی از شیعیان خاص برای زیارت وی، نزد او می‌آمدند. به سبب حفظ جان امام (عج) و مسائل امنیتی، جزئیات بیشتری از این ماجرا گزارش نشده است.

نتیجه

همسر امام هادی (عج)، بانو حُدیث، امّ ولدی بود که پیش از سال ۲۳۱ ق وارد خانه امامت شد و به سبب شرایط ویژه در عصر امامت امام هادی و عسکری (عج)، نقش‌های مهمی را ایفا نمود. نقش‌های وی را می‌توان در دو بخش دوران زندگی با امام هادی و امام عسکری (عج) واکاوی کرد. در دوره اول، بیشتر با تحمل دشواری‌های حاصل از فشارهای روانی، اقتصادی و سیاسی دستگاه حکومت و تحمل مشکلات ناشی از فراخوان امام به سامرا و برخوردهای تحقیرآمیز متوکل و کارگزاران وی با امام (عج) همراه بود. دوره دوم، با

۱. صدوق، پیشین، ص ۴۹۸.

توجه به جدی‌تر شدن روایات اثنی‌عشری که در تاریخ شفاهی و کتبی و به عبارتی حافظه تاریخی مردم و دستگاه حاکم از دیرباز وجود داشته، فعالیت‌های خلفای عباسی و کارگزاران آنها برای محو اهل‌بیت (ع) و نابودی امام دوازدهم (ع) اوج گرفت و از این سو، تدابیر و فعالیت بیشتری برای حفظ آخرین وصی و امام شیعیان باید شکل می‌گرفت. به نظر می‌رسد، به دلیل ایجاد محدودیت برای اصحاب امام و سفرها و تنگ‌شدن دایره ارتباطات امام و شیعیان، نقش بانوان در این دوره پُررنگ‌تر از پیش می‌شود. از این‌رو، بیشترین و بارزترین نقش‌های بانو حُدیث که در گزارش‌ها تصریح شده، مربوط به پس از شهادت امام عسکری (ع) است و تلاش بی‌دریغ وی برای حفظ جان امام شیعیان (ع)، رفع تحریر از جامعه شیعی و برنامه‌ریزی برای حفظ باورهای شیعی، در منابع مشهود است.

منابع

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، انتشارات گلشن، تهران: نهم، ۱۳۸۲ ش.
۲. آوتویت، ویلیام و تام باتامور، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، ۱۳۹۲ ش.
۳. ابن ابی الثلج، تاریخ اهل البيت (علیهم السلام)، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار الصادر، ۱۳۸۵.
۵. ابن العماد حنبلی، شهاب الدین، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، تصحیح الأرناؤوط، دمشق - بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ ق.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الملوک والأئمة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ ق.
۷. ابن حاتم شامی، جمال الدین یوسف، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، قم: جامعہ مدرسین، ۱۴۲۰ ق.
۸. ابن حزم ظاہری، علی بن احمد، الفصل فی الملل والأهواء والنحل، تصحیح محمد ابراهیم نصر عبدالرحمن، بیروت: دار الجبل، [بی تا].
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، المناقب ابن شهر آشوب، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة (علیهم السلام)، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ ق.
۱۱. ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، تاریخ فخری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۱۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق هارون عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، [بی تا].
۱۳. ابن کثیر دمشقی، البدایة والنهاية، بیروت: دار الفکر، [بی تا].
۱۴. ابونصر بخاری، سر السلسلة العلویة، تحقیق سید صادق بحر العلوم، شریف رضی، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، اخبار النساء فی کتاب الاغانی، بیروت: [بی تا]، ۱۹۹۶ م.
۱۶. احمدی، علی، «همسر و فرزندان امام هادی»، مجله فرهنگ کوثر، ش ۶۰.
۱۷. احمدی، محمد ابراهیم، «مادر امام»، مجله فرهنگ کوثر، ش ۷۰، ۱۳۸۶ ش.

۱۸. اربلی، علی بن عیسی، *كشف الغمة فی معرفة الأئمة*، قم: رضی، ۱۴۲۱ق.
۱۹. ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، تهران: مؤسسة الصادق (ع)، ۱۳۸۲ش.
۲۰. اسکافی، محمد بن همام بن سهیل، *منتخب الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار (ع)*، قم: دلیل ما، [بی تا].
۲۱. اشعری، سعد بن عبدالله، *المقالات والفرق*، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰ش.
۲۲. بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۲۳. حسن، ابراهیم حسن، *تاریخ الاسلام السیاسی والدینی والثقافی والاجتماعی*، قاهرة: مكتبة النهضة المصرية، هفتم، ۱۹۶۴م.
۲۴. حسین بن عبدالوهاب، *عیون المعجزات*، قم: مكتبة الداوری، [بی تا].
۲۵. —، *عیون المعجزات*، حیدریه محمد کاظم شیخ صادق کتبی، ۱۳۶۹.
۲۶. خزعلی، موسوعة الإمام العسکری (ع)، قم: مؤسسة ولی العصر (ع)، ۱۴۲۶ق.
۲۷. خزعلی، موسوعة الإمام الهادی (ع)، قم: مؤسسة ولی العصر (ع)، ۱۴۲۴ق.
۲۸. خصیبی، حسین بن حمدان، *الهدایة الکبری*، نشر البلاغ، ۱۴۱۹ق.
۲۹. خضری، احمد رضا، *تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه*، تهران: سمت، ۱۳۸۴ش.
۳۰. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۳م.
۳۱. —، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الارنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، هفتم، ۱۴۱۳ق.
۳۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *تاریخ الخلفاء*، بیروت: عالم الکتب، ۲۰۰۳م.
۳۳. شیخ صدوق، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران: اسلامیة، ۱۳۹۵ش.
۳۴. شیخ صدوق، *عیون أخبار الرضا (ع)*، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ش.
۳۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)*، سید مهدی رجایی، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، [بی تا].
۳۶. —، *الفهرست*، تحقیق الشیخ جواد القیومی، مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.

۳۷. —، الأبواب (رجال الطوسی)، تحقیق جواد القیومی الإصفهانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۵ق.
۳۸. —، الغیبه، قم: دار المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱ق.
۳۹. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، قم: کنگره بزرگداشت شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۰. —، الفصول العشرة، تحقیق فارس الحسون، قم: دار المفید، ۱۴۱۴ق.
۴۱. —، الفصول العشرة، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۲. صدر، محمد، تاریخ الغیبة، بیروت: دار التعارف، ۱۴۱۲ق.
۴۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۴. صفری فروشانی، نعمت الله، «محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الامامة»، علوم حدیث، سال ۱۰، ش ۳۷ و ۳۸، ۱۳۸۴ش.
۴۵. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۷۷ش.
۴۶. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، قم: نشر بعثت، ۱۴۱۳ق.
۴۷. طبیبی، ناهید، پژوهشی نو درباره مادر امام زمان ﷺ، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲ش.
۴۸. عطاردی، عزیزالله، مسند الإمام الهادی أبي الحسن علی بن محمد ﷺ، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۰ق.
۴۹. علامه تستری، رساله فی تواریخ النبی و آل، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۳ق.
۵۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت: مکتبة الهلال، [بی تا].
۵۱. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و آل، قم: دلیل ما، ۱۳۷۹ش.
۵۲. قهپایی، عنایة الله بن علی، مجمع الرجال، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، [بی تا].
۵۳. کحاله، عمر، أعلام النساء فی عالمی العرب، دمشق: الرسالة، ۱۹۵۹م.
۵۴. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، قم: دار الرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ق.
۵۵. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، مشهد: نشر دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.

۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۵۷. کوئن، بروس، *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۷۲ ش.
۵۸. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، قم: مرکز الابحاث والدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۵۹. محمد بن مکرم، *ابن منظور، لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸ م.
۶۰. مدرسی طباطبایی، حسین، *مکتب در فرآیند تکامل*، ترجمه هاشم ایزدیناه، نشر کویر، ۱۳۹۵ ش.
۶۱. مسعودی، علی بن حسین، *اثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب*، قم: انصاریان، ۱۴۲۶ ق.
۶۲. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
۶۳. نوبختی، حسن بن موسی، *فرق الشیعه*، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۴ ق.